

# کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلقی کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۵۳ شنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۸، ۶ جولای ۲۰۱۹

جوانان کورد به  
شغل‌های کاذب روی  
می‌آورند

۳

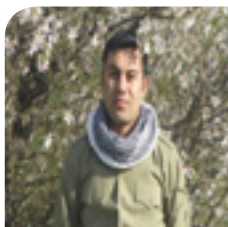
کوچر بیر کار افتخار  
دیگری را برای  
کوردستان کسب کرد

۳

اطلاعی‌ی ارگان  
تشکیلات حزب  
دمکرات،  
به مناسبت ۳۰مین  
سالگرد ترور دکتر  
قاسملو و یارانش

۲

www.kurdistanmedia.com



رژیم ایران  
غده‌ی سرطانی در منطقه

۷



زن و نابوهای او در جوامع  
اسلامی

۶



اتحاد نامیمون استبداد  
در داخل و خارج از ایران

۵



قدرت هسته‌ای چیست؟

۴

## به پیشواز رهبر همیشگی



### سفن

#### ورای زمان

#### کریم پرویزی

یکی از مشخصه‌های بارز و آشکار زمان، این است که برای تمامی پدیده‌ها «وقت»ی را تعریف می‌کند، به گونه‌ای که با گذشت زمان، مدت آن‌ها نیز به پایان می‌رسد. یا به عبارتی دیگر، نبودن پدیده‌ها و رویدادها به زمان بستگی دارد و گذر زمان از تازگی آن‌ها می‌کاهد و آن‌ها را کهنه می‌گرداند. اما برخی پدیده‌های دیگر در تاریخ و زندگانی انسان وجود دارند که گذر زمان نمی‌تواند آن‌ها را به حاشیه براند. در واقع بعد زمان در آن‌ها تأثیری ندارد و «موقت» نیستند! واقعه‌ی بیست و دوم تیرماه ۱۳۶۸ شمسی، مصادف با سیزدهم ژوئیه‌ی ۱۹۸۹ میلادی، از آن دست رویدادهایی است که زمان در آن‌ها دچار توقف شده، دقیقاً در آن لحظه، زمان دچار ایست شده و نمی‌گذرد. گویی زمان در آن لحظه اعتصاب کرده و چشم به راه است. چشم به راه است تا آنگشتی آن را به حرکت دوباره درآورد، چشم به راه است تا صدایی در گوشش زمزمه کند که عدالت پیروز شد و تو می‌توانی ادامه دهی. آری، این رویداد از آن دست رویدادهایی نیست که حتی عدالت نیز بتواند آن را وادار به گذر کند، هیچ عدالتی در جهان وجود ندارد که بتواند از این رویداد گذر کند، چرا که بر اندیشه و باور شلیک شده است. همانگونه که قایبل در باغ بهشت، به شیوه‌ای نوانسانی هابیل را کشت و تا روزی که جهان پابرجا باشد، زمان از آن رویداد گذاری نخواهد داشت، زمان از بیست و دوم تیرماه نیز گذر نخواهد کرد، چرا که هیچ چیزی در جهان وجود ندارد تا بتواند در این رویداد عدالت را برقرار نماید. شلیک به اندیشه و باورها چگونه جبران خواهد شد؟!

ادامه در صفحه‌ی ۲

گذشته، مردم آزادیخواه کوردستان، پیشمرگه‌های شار و اعضا و هوادارن حزب دمکرات که با درس‌های شهید قاسملو عجین شده‌اند، با انجام فعالیت‌های گوناگون تبلیغی ثابت می‌کنند که تا رسیدن به اهداف و آرمان‌های شهیدان راه آزادی از مبارزه و تلاش دست برنخواهند داشت و شار را به حامی واقعی شاخ تبدیل خواهند کرد. در این رابطه نیز ارگان تشکیلات حزب چندین راهنمایی را منتشر کرده که به اختصار چنین اند: - ابراز نفرت نسبت به سیات

۲۰۱۹، ساعت ۱۱ صبح از شهر بروکسل، پایتخت کشور بلژیک انجام می‌گیرد، شرکت‌کنندگان در سطح شهر در حالتی سمبولیک که نشان از اتحاد باشد دست به دست هم دهند و همزمان با مارش ملی «ای رقیب» راهپیمایی خود را آغاز نمایند و با سر دادن سرودهای ویژه‌ی این مراسم و همچنین سردادن شعارهایی ویژه با زبان‌های کوردی و انگلیسی یکصدا، ترور وین را محکوم نمایند. همزمان در کوردستان، در شهرها و روستاهای کوردستان روزهلات، همچون سال‌های

و هدفش را تکرار می‌کنند. امسال نیز در ۳۰مین سالروز جنایت وین و شهادت پیامبر آشتی، کوردهای ساکن در خارج از کشور با «راسان تاوارگه» می‌خواهند با تجمع در مقابل پارلمان اتحادیه‌ی اروپا از سویی با راه شهید دکتر قاسملو تجدید میثاق نمایند و از سوی دیگر نیز با اتحاد خود یکصدا و همگام فریاد نظم ملتشان را به گوش جهانیان برسانند و تروریسم دولتی جمهوری اسلامی را رسواتر نمایند. قرار بر این است که در این تجمع و راهپیمایی که روز نهم

۳۰ سال پیش و در بیست و دوم تیرماه ۱۳۶۸ شمسی، تاریخ انسانیت لکه‌ی ننگی را بر پیشانی خود دید. در روز فاجعه‌ی ۲۲ تیرماه، تاریخ اندیشان قاتل آزادی، بر پیامبر آشتی ظفر برده و در وین، پایتخت هنر، خیانتی فراموش نشدنی را ثبت کردند، آن‌ها استاد و معلم هنر و زیبایی را به شهادت رساندند. از آن روز تاکنون رهروان راه پرشکوه قاسملوی رهبر، هر روز و هر لحظه به نام و یاد این بزرگمرد قرن، درد زخم‌های نیتام نیافته‌شان را آرامی می‌بخشند و پیمان ادامه‌ی راه

رئیس جمهور آمریکا، چهاردهم تیرماه، بار دیگر به جمهوری اسلامی هشدار جدی داد و اعلام کرد که باید بسیار هوشیار باشند! وی در طول سفری به نیوجرسی، به خبرنگاران گفته است: «در آینده خواهید دید که ایران دستخوش چه اتفاقاتی خواهد شد؛ ایران باید بسیار هوشیار باشد و عاقلانه

## بازی با آتش

هشدار از سوی تهران را قبول نخواهند کرد.» کارشناسان امور ایران معتقدند این بازی آتشین خطرناکی است که جمهوری اسلامی قصد دارد با جهان انجام دهد چرا که بازنده‌ی اصلی نیز خود جمهوری اسلامی است. به اعتقاد آن‌ها علی‌خامنه‌ای اکنون بر سر سه سناریو کار می‌کند: اول گفتگو با آمریکا

باشند، به آن می‌افزایند. این سخنان روحانی که از سوی علی اکبر ولایتی نیز تکرار شدند، نوعی از اعمال فشار علیه کشورهای اروپایی عضو در برجام است؛ مسئله‌ای که واکنش بریتانیا، فرانسه و آلمان را به دنبال داشته و اعلام کرده‌اند: «تهران باید به تمام مفاد برجام پایبند باشد و گفته‌اند: به هیچ وجه تهدید و

عمل کند.» این سخنان دونالد ترامپ پس از آن بود که حسن روحانی از افزایش میزان غنی‌سازی اورانیوم و کاهش میزان پایبندی‌های ایران به برجام سخن گفته‌بود؛ روحانی تهدید کرده بود که از شانزدهم تیرماه، میزان غنی‌سازی اورانیوم را به بیشتر از ۳.۶۷ درصد می‌رساند و به هر مقداری که نیاز داشته

باشند، به آن می‌افزایند. این سخنان روحانی که از سوی علی اکبر ولایتی نیز تکرار شدند، نوعی از اعمال فشار علیه کشورهای اروپایی عضو در برجام است؛ مسئله‌ای که واکنش بریتانیا، فرانسه و آلمان را به دنبال داشته و اعلام کرده‌اند: «تهران باید به تمام مفاد برجام پایبند باشد و گفته‌اند: به هیچ وجه تهدید و

عمل کند.» این سخنان دونالد ترامپ پس از آن بود که حسن روحانی از افزایش میزان غنی‌سازی اورانیوم و کاهش میزان پایبندی‌های ایران به برجام سخن گفته‌بود؛ روحانی تهدید کرده بود که از شانزدهم تیرماه، میزان غنی‌سازی اورانیوم را به بیشتر از ۳.۶۷ درصد می‌رساند و به هر مقداری که نیاز داشته

## اطلاعیه‌ی ارگان تشکیلات حزب دمکرات، به مناسبت ۳۰مین سالگرد ترور دکتر قاسملو و یارانش

و گل سرخ به عنوان نماد شهیدان، یاد قاسملو را گرامی بدارید. ارگان تشکیلات حزب دمکرات کردستان ایران، اطمینان دارد از اینکه اراده محکم مردم کردستان ایران جویای محکم بر نهادهای سرکوبگر رژیم ترور خواهد بود که ماهیت رژیم را از خاک کردستان پاک خواهد کرد و شکوه شهید دکتر قاسملو و راه وی را به شعله‌ی آتشین «راسان» علیه رژیم تروریستی اسلامی ایران تبدیل می‌کند.

**پیروز باد جنبش آزادیخواهی مردم کردستان**  
**سرنگون باد رژیم اسلامی ایران**  
**حزب دمکرات کردستان ایران**  
**ارگان تشکیلات**

خواستار این است که با همه‌ی توان خود به استقبال بیست و دوم تیرماه رفته و انزجار و بیزاری خود را از سیاست ترور، رعب و وحشت و سرکوب رژیم اسلامی ایران در کردستان نشان دهید. با همه‌ی شیوه‌های مناسب یاد و نام شهید دکتر قاسملو را گرامی بدارید، نام ویاد و راه دکتر قاسملو را با شعار و عناوین شعر و سرود و فعالیت‌های هنری و ادیبان مزین نمایید. با یاد و نام دکتر قاسملو اکثر نقاط شهر و روستاهای کردستان را مزین کنید، نوشتن شعار و پخش تراکت و پوستر را به فعالیت اصلی خود تبدیل کنید.

در اقصی نقاط شهر و روستاها و مراکز تفریحی و مکانهای عمومی با پوشیدن لباس کوردی، استفاده از رنگ آبی آسمانی به عنوان باور داشتن دکتر قاسملو به صلح و آشتی



گرامی می‌دارند و انزجار خود را از ترور و منبع تروریسم رژیم اسلامی ایران ابراز می‌دارند. مبارزین راه آزادی کردستان! دوستان، هواداران و اعضای حزب دمکرات کردستان ایران! ارگان تشکیلات حزب دمکرات، با وجود احترام و وفاداری جهت مبارزه و ایستادگی همیشگیان،

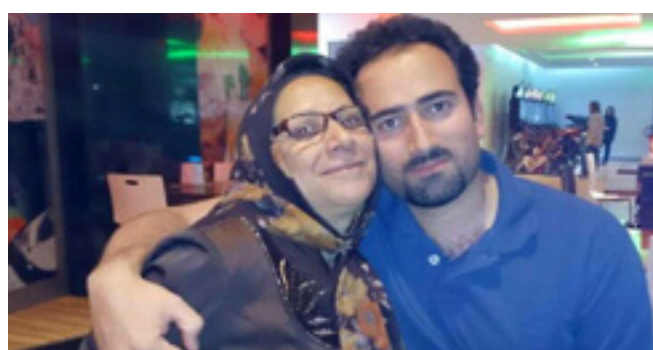
را در برابر تمامیت حاکمیت خمینی و رژیم اسلامی ابراز می‌دارند و با ادامه‌ی راه این شهیدان تجدید میثاق می‌کنند. بیست و دوم تیرماه امسال، سی‌امین سالگرد ترور دکتر قاسملو رهبر که توسط رژیم اسلامی ایران انجام شد، بدین مناسبت مردم کورد و آزادیخواهان ایران همراه حامیان جنبش ملت‌مان در اکثر نقاط جهان، یاد زندگی و مبارزات دکتور قاسملو را

برجای گذاشت. رژیم اسلامی ایران با این ظلم و خیانتی که نسبت به اعتماد و خویشتنداری دکتر قاسملو و همراهانش انجام داد، دریایی از کینه و بیزاری را از اعمال پلید و فاسد خود، در وسعت جهان و کردستان و به ویژه کردستان ایران، پدید آورد. مردم کردستان در همه‌ی یادبودها، این توطئه‌ی رژیم و ترور دکتر عبدالرحمان قاسملو، کینه و بیزاری خود

ارگان تشکیلات حزب دمکرات کردستان ایران، به مناسبت سی‌امین سالگرد ترور دکتر قاسملو و یارانش اطلاعیه‌ای را منتشر نمود. متن اطلاعیه بدین شرح است: مردم مبارز کردستان! مبارزین راه آزادی کردستان! دوستان، هواداران و اعضای حزب دمکرات کردستان ایران!

فراموش نشده که سی سال پیش، رژیم اسلامی ایران در توطئه‌ای پلید، رهبر شایسته‌ی جنبش مشروع ملت‌مان، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، دکتر عبدالرحمان قاسملو همیشه زنده یاد را بروی میز مزاکره جهت صلح و همزیستی به همراه عبدالله قادری آذر، عضو کمیته مرکزی این حزب در وین پایتخت کشور اتریش ترور کرد و زخم عمیقی بر پیکر جنبش حق‌طلبانه‌ی ملت‌مان در کردستان ایران

## سه دهه بدون قاسملو و سه سال بدون کاکو



پاک برای سرزمینی است که شما با شعار و ما با خون از آن محافظت می‌کنیم.

**مادر کاکو شهید کاوه جوانمرد**

تنها به «مظهر»ها می‌گویم؛ کاش حرمت و شخصیت آن را داشتید، از ما شرم می‌کردید که در سالروز شهادت رهبران و فرزندانمان، احساسات ما را جریحه‌دار می‌کنید، احساسی

مادر گرامی «نهیبه»؛ مادر شهید «کاوه جوانمرد» عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، به مناسبت بیست و دوم تیرماه پیامی را منتشر نمود.

متن پیام بدین شرح است: اگرچه مقایسه‌ی هیچ کسی با قاسملو رهبر ممکن نیست، اما تیرماه خونین و راسان و حماسه‌ی کوسلان من با قره‌سقل در آمیخته و دیار اردلان، در سه ساله به شهادت نائل آمدن قهرمانان کوسلان، به عنوان همسر شهید و مادر شهید، تنها و

## مشارکت نماینده‌ی حزب دمکرات در جلسه‌ی UNPO



پس از بررسی و واکاوی، توسط ریاست سازمان مورد تأیید قرار گرفت. در بخش پایانی جلسه، دکتر «علی عبدالزاده»، در مورد ترور «دکتر عبدالرحمن قاسملو» و یارانش در شهر «وین» پایتخت اتریش، در بیست و دوم تیرماه سال شصت و هشت خورشیدی، سخنانی را ارائه نمود. نماینده‌ی حزب دمکرات در ادامه‌ی سخنانش، همزمان درباره‌ی راهپیمایی باشکوه کردهای مقیم اروپا، در تاریخ نهم ژوئن دوهزار نوزده میلادی، در شهر بروکسل و مقابل پارلمان اتحادیه‌ی اروپا، به مناسبت سی‌امین سالروز شهادت دکتر عبدالرحمن قاسملو، اطلاعاتی به اعضای ریاست UNPO ارائه نمود. ایشان در میانه‌ی سخنانش، خواستار مشارکت اعضای این سازمان برای همدلی و پشتیبانی، ملت کرد و حزب دموکرات کردستان ایران شد. جلسه‌ی ریاست UNPO، پس از یک روز کار مداوم، با موفقیت به کار خود پایان داد.

اعضای ریاست سازمان نمود. همچنین در ادامه قسمت اول جلسه، گزارش بخش امور مالی از طرف دبیر کل این سازمان پیشکش حضار گردید. بخش دیگری از جلسه جهت مرور ریاست سازمان بر عضویت برخی از طرفین عضو در سازمان اختصاص داده شده بود.

همچنین در بخش دیگری از جلسه، کار و فعالیت شش ماه آینده مورد بررسی قرار گرفت و همچنین دبیرخانه‌ی این سازمان برنامه‌ی کاری شش ماه آینده را پیشکش حازرین جلسه نمودند و

نماینده‌ی روابط بین‌الملل حزب دمکرات کردستان ایران، در جلسه‌ی گروه ریاست "UNPO" شرکت کرد.

روز جمعه، یکم تیرماه، سی‌امین جلسه‌ی گروه ریاست UNPO، با مشارکت «علی عبدالزاده»، معاون روابط بین‌الملل حزب دمکرات کردستان ایران و نماینده حزب دمکرات در این سازمان، برگزار گردید.

آغاز این جلسه با تأیید کردن دستور کار جلسه شروع به کار کرد و سپس رئیس این سازمانی گزارش کار و فعالیت‌ها را پیشکش

### ادامه‌ی سخن

از آن مهم‌تر این است که زمان نمی‌تواند بر آن اندیشه و باور فائق آید. آن اندیشه و باوری که در بیست و دوم تیرماه ۱۳۶۸ شمسی مورد شلیک قرار گرفت، اندیشه و باوری است که از دایره‌ی زمان خارج است.

باور و اندیشه‌ی قاسملو، موقتی و مدت‌دار نبود. قاسملو ژرف‌تر از آن می‌اندیشید که زمان بتواند آن را به باد فراموشی بسپارد. اندیشه و باوری که دکتر قاسملو از آن می‌گفت و برای آن چارچوب و ساختار طراحی می‌کرد از آن دسته اندیشه و باورها نبود که تنها مدتی موقت تأثیرگذار باشد و منافع فرد یا گروه مشخصی را دنبال کند و پس از تامين منافع آن فرد یا گروه، این اندیشه و تفکر نیز با گذشت زمان از بین برود.

وی در محدوده‌ی خارج از منافع فرد و گروه می‌اندیشید و بیشتر اوقات نیز منافع فرد و گروه را نیز با نهایت فداکاری و بخشندگی فدای اندیشه‌ی انسانی می‌کرد تا کند و مبارزه را در راستای رسیدن به هدف آینده که زندگی درخور انسان کورد در میهن آزاد شده‌ی کردستان باشد، پرفروغتر نماید.

قاسملو به مبانی زندگی می‌اندیشید و می‌گفت آزادی به انسان کرامت می‌بخشد، می‌گفت والاترین و باارزش‌ترین مرحله‌ی زندگی، زندگی در راستای هدفی بلند و انسانی است، بنابراین زمان توانسته است و نمی‌تواند به اندیشه و باورهای قاسملو دست یابد؛ راه قاسملو اکنون و در آینده نیز نو است و نو می‌ماند.

## نماینده‌ی حزب دمکرات در آمریکا، در رابطه با وضعیت یارسان‌های ایران جلسه‌ی تشکیل داد

برانت» در رابطه با موضوع آزادیهای آیینی، اظهار داشت که آیین «یارسان»، در ایران به شیوه‌ی قابل توجه و دو برابر، مورد سرکوب و قلع و قم قرار گرفته است. نماینده حزب در ادامه افزود که یارسانها یک بار به جرم آیینشان که آیین کهن کردها میباشد و باری دیگر به علت حفظ فرهنگ کوردی خود، مورد حمله و سرکوب رژیم ایران قرار گرفته‌اند. ایشان همچنین گفتند: «درخواست ما از سناتور برانت این است که صدای خفه شده‌ی مردم یارسان را بشنوند و برای رسانیدن این صدای خفه شده به تمام دنیا همکار و پشتیبانان باشند».

«صالح» همچنین به این موضوع اشاره کرد که، ایلات متحده آمریکا تنها از یک دیدگاه به ایران و تغییراتش نگاه می‌کند و آن هم دیدگاه کنیروالمتی است. این که آمریکا ایران را تنها از دیدگاه کنیروالمتی می‌بیند، بیش از هرچیزی مورد زبان آمریکا است، به این دلیل که باعث می‌شود شناخت آنها از ایران شناختی ناقص و پراز اشتباه باشد.

وی در پایان گفت وگو افزود که فاکتر کرد در خاورمیانه و ایران به «فاکتوری مؤثر» تبدیل شده، به همین دلیل لازم است آمریکا در زمان سازماندهی سیاستهای در خاورمیانه، به این فاکتر توجه کند.

نماینده حزب دموکرات کردستان ایران در آمریکا، به دیدار دفتر «سناتور برانت» رفته و جلسه‌ای در باره‌ی وضعیت یارسان‌ها در ایران تشکیل داد. روز دوشنبه، سوم تیر ماه، نماینده حزب دمکرات کردستان ایران در آمریکا، به دیدار دفتر «سناتور برانت» رفت و با «آلیسون فیکس»، مسئول امور خارجه این دفتر نشست انجام داد.

در این جلسه، برخی مسائل مرتبط با سیاست خارجه ایران و اهمیت حزب دمکرات کردستان ایران نسبت به این موضوع و همچنین وضعیت پیروان آیین یاری در کردستان ایران مورد بحث و گفت و گو قرار گرفت. در این دیدار، «آرش صالح»، نماینده حزب دمکرات کردستان ایران در آمریکا، با اشاره به وضعیت ایران در این موقعیت زمانی گفت که، سیاست ایالات متحده آمریکا، در برابر ایران هر هدفی به دنبال داشته باشد، همکاری و همیاری ملت‌های تحت ستم می‌تواند به موفقیت این سیاست کمک کند.

نماینده حزب همچنین افزود: «ملت کرد در کردستان ایران، باوری عمیق به ارزشهای دمکراتیک دارد و همیاری این ملت در ایران، می‌تواند به اندازه‌ی بخش‌های دیگر کردستان، برای سیاست آمریکا در منطقه سودبخش باشد». همچنین «آرش صالح»، با اشاره به فعالیت‌های «سناتور

## بیش از نیمی از جمعیت بیکار ایران دارای مدرک دانشگاهی اند



بیش از ۵۰ درصد از جمعیت بیکارهای ایران را دانشجویانی تشکیل می‌دهند که دارای مدارک تحصیلی در سطح بالا هستند. بر اساس گزارش خیرگزاری حکومتی «برنا»، آمار مدرک گرایی در ایران در سطحی قرار دارد، که در جهان همانندی ندارد، به شیوه‌ای که در ایران پنج برابر کشورهای پیشرفته دانشگاه وجود دارد، یعنی دو هزار و ششصد و چهل دانشگاه، که بر اساس گزارشی از سازمان اسپانیایی "CISC"، شمار دانشگاه‌ها در اکثر کشورهای پیشرفته کمتر از پانصد دانشگاه است. این تعداد از دانشگاه‌ها در ایران قریب به پنج هزار میلیارد تومان، از بودجه کلی این کشور را شامل می‌شود و بیش از پنجاه درصد جمعیت بیکار ایران را تولید می‌کند. «تیره توکلی»، جامعه شناس، در گفتوگویی در این باره گفته است: «موج متقاضیان دریافت مدرک افزایش پیدا کرده و کیفیت آن مدارک مورد شبهه است و مدرک دلیلی نیست برای تأمین آینده‌ی کاری.» همچنین در این گزارش به این موضوع اشاره شده است که، رژیم ایران به کارخانه‌ی تولید مدرک بی‌ارزش تبدیل شده که نه تنها مشکلات این کشور را حل نمی‌کند، بلکه مشکلات نادری را به وجود می‌آورد که در نوع خود نایاب هستند. رژیم جمهوری اسلامی ایران، به واسطه دانشگاه‌ها، به بهانه‌ی واگذاری مدرک دانشگاهی جهت به دست آوردن فرصت کار، پول و سرمایه‌ی مردم این کشور را چپاول کرده و در نتیجه بر اساس گفته‌های خبرگزاری‌ها و جامعه‌شناسان خود رژیم، مدارکی که در دانشگاه‌های ایران به دانشجویان داده می‌شود دلیلی برای تأمین آینده‌ی کاری نمی‌باشند، بلکه درصد زیادی از بیکاران این کشور را پدید می‌آورند.

## کوچر بیرکار افتخار دیگری را برای کردستان کسب کرد



«کوچر بیرکار» برنده‌ی جایزه‌ی فیلدز، این بار در بریتانیا جایزه‌ی دیگری دریافت کرد. روز شنبه، هشتم تیرماه، در مراسم ویژه‌ای در لندن از «کوچر بیرکار» ریاضیدان و پرفسور کردستان و برنده مدال فیلدز تقدیر به عمل آمد و به وی جایزه ویژه ای اهدا شد. در همین رابطه هفتم فروردین ماه سال جاری، دانشگاه صلاح‌الدین واقع در شهر اربیل در مراسم ویژه‌ای، با حضور خانوادگی پرفسور کوچر بیرکار، مسئولان حکومت اقلیم کردستان، وزیر آموزش عالی کردستان، رؤسا و اساتید دانشگاه‌های اقلیم کردستان و جمعی از هم‌میهنان کردستان ایران و اقلیم کردستان، دکترای افتخاری به ریاضیدان و پرفسور بیرکار اهدا کرد. «فریدون درخشانی» معروف به «کوچر بیرکار»، ریاضیدان ۴۰ ساله اهل روستای نی‌مریوان در سال ۱۳۷۹ به عنوان یک پناهجو راهی بریتانیا شده است. مقطع دکترای خود را در دانشگاه «ناتینگهام» در بریتانیا به پایان رسانده و از سال ۱۳۸۵ به عنوان پرفسور ریاضی در دانشگاه کمبریج مشغول به کار شده است. وی در سال ۱۳۹۷ به دلیل فعالیت و پژوهش در زمینه هندسه جبری برنده مدال فیلدز شده است.

## واکنش کشورهای جهان به غنی سازی اورانیوم رژیم

ابراز نگرانی کرد. منبعی آگاه از وزارت خارجه‌ی آلمان، که نخواست نامش فاش شود، ضمن ابراز نگرانی از این حرکت رژیم، به رادیو فرانسه گفته: ما از رژیم ایران می‌خواهیم که از این کار صرف‌نظر کنند و به توافقنامه‌ی «برجام» پایبند باشند. در ادامه نیز «داندل ترامپ» رئیس جمهور آمریکا، روز دوشنبه دهم تیرماه، در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام کرد: «آنها می‌دانند چه می‌کنند، و می‌دانند با چه چیزی بازی می‌کنند. آنها با آتش بازی می‌کنند و به همین دلیل من هیچ پیامی برای رژیم ایران ندارم.»



خارجه‌ی روسیه نیز از ایران مدت غنی‌سازی اورانیم را متوقف کند و به توافقنامه‌ی «برجام» پایبند بماند. در همین راستا کشور چین نیز نسبت به غنی‌سازی بیش از حد مجاز اورانیم رژیم ایران

خبر غنی سازی اورانیوم بیشتر از ۳۰۰ کیلوگرم رژیم ایران، واکنش کشورهای مختلف جهان را در پی داشت. پس از آنکه رژیم اسلامی ایران اعلام کرد که بیشتر از میزان مجاز «برجام» اورانیوم را غنی کرده و به مرز بیشتر از ۳۰۰ کیلوگرم رسانده‌اند، «جرمی هانت» وزیر خارجه‌ی بریتانیا، روز دهم تیرماه، در توییته نوشت: «چنانچه رژیم ایران به توافقنامه‌ی برجام پایبند نباشد و آن را نقض کند، ما نیز از برجام خارج خواهیم شد.» همچنین «امانوئل مکران»، رئیس جمهور فرانسه نیز، به رژیم ایران هشدار داد و از آنها خواسته که در کوتاهترین مدت غنی‌سازی اورانیم را متوقف کند و به توافقنامه‌ی «برجام» پایبند باشد و به آن میزان مشخص شده‌ی غنی سازی بازگردد. «سرگی لاوروف»، وزیر

## پارازیت سپاه پاسداران بر سیستم GPS



باردیگر به شیوه‌ی عمدی بر سیستم جی پی اس پارازیت انداخته‌اند که این نیز بر سامانه‌ی ناوبری هوایی دچار مشکل جدی کرده است. این مسئول رژیم در گفته‌هایش بر این مسئله که پارازیت

در تلاشی دیگر سپاه تروریستی پاسداران بر سیستم جی پی اس پارازیت انداخته است، که در نتیجه اینترنت، اپراتورهای موبایل و سیستم ناوبری هواپیما و کشتی‌ها را دچار مشکل کرده است. طی هفته‌ی گذشته، خبرهایی غیر رسمی در مورد از کار افتادن سیستم جی پی اس در ایران منتشر می‌شد، که روز دوشنبه دهم اردیبهشت ماه، «حسین فلاح جوشقانی»، مسئول سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی رژیم، رسماً اعلام کرد که بر سیستم جی پی اس پارازیت انداخته‌اند و این عمل عمدی بوده و از

## عزل و نصب فرماندهان رده بالا از سوی خامنه‌ای

سازمان بسیج تلاش بیشتری بکنند. مسئولین رده بالای رژیم ایران همواره در مقاطع زمانی حساس کوشیده‌اند که با برکنار کردن مهره یا معاوضه مهره‌ها در دایره‌ی حاکمیت خود، بیشتر به سرکوب و ایجاد رعب و وحشت بپردازند، که این بار خود رهبر رژیم این را بر عهده گرفته است و برای تداوم هدف‌های شیعی

، «محمدرضا آشتیانی» را به عنوان فرماندهی کل ستاد مشترک رژیم و همچنین «غلامرضا سلیمانی» را به عنوان فرماندهی سازمان بسیج مستضعفین سپاه تروریستی پاسداران منصوب کرد. خامنه‌ای از فرماندهی تازه منصوب شده‌ی بسیج خواست که برای جذب جوانان و نوجوانان جهت پیوستن به

رهبر جمهوری اسلامی ایران، به منظور بیشتر قبضه کردن قدرت در دست خود و همچنین منصوب کردن مهره‌های کلیدی خود، با حکمی فرماندهی جدید بسیج سپاه تروریستی پاسداران را منصوب کرد. روز سه‌شنبه، یازدهم تیر، «علی خامنه‌ای» رهبر رژیم ایران، طی دو حکم جداگانه

## جوانان کورد به شغل‌های کاذب روی می‌آورند



به شغل‌هایی از این قبیل یا به کارهای پر مخاطره مانند کولبری روی می‌آورند. از سوی دیگر، رژیم ایران هیچ فرصت شغلی برای فارغ التحصیلان دانشگاهی ایجاد

آلات موسیقی و همزمان خواندن ترانه مخارج زندگی خود را تأمین می‌کند. مردم و به ویژه جوانان کردستان ایران، به خاطر بیکاری و نبود فرصت شغلی،

مردم کردستان ایران به ویژه جوانان، به دلیل فراهم نکردن فرصت‌های شغلی از سوی رژیم ایران در خیابان‌ها به شغل‌های کاذب روی می‌آورند. براساس ویدیو منتشر شده در فضای مجازی، یک جوان کورد اهل شهر ارومیه، به دلیل بیکاری، در خیابان‌های این شهر با نواختن آلات موسیقی مخارج زندگی خود را تأمین می‌کند. این جوان، در خیابان «خیام شمالی»، کوچه‌ی «خان باباخان» این شهر، با نواختن

## بی توجهی مسئولان رژیم به کمبود آب مردم

رژیم به جای خدمت رسانی به مناطق محروم، با لوله کشی آب به جنوب عراق، دارایی‌های مملکت را به تاراج برده، تا از طریق گروه‌های وابسته به خود، کارهای

روستاییان در مجتمع‌های آب رسانی وجود دارد، اما مسئولان رژیم از در اختیار گذاشتن آن در خدمت مردم خود امتناع می‌کنند. این در حالی است که مسئولان

این شهرستان با مشکل بی آبی طرف هستند و آبرسانی به روستاها با تانکر انجام می‌شود. در پی گزارش خبرنگار وبسایت کردستان میدیا، آب کافی برای مصرف

بر اساس گزارشی منتشر شده در وبسایت کردستان میدیا، به گفته «مسلم رحیم زاده» رئیس اداره آب و فاضلاب روستایی «اسفراین» بیش از ۳۰ درصد روستاهای

به دلیل بی توجهی مسئولان رژیم به وضع معیشتی مردم، بیش از ۱۰ روستا از توابع شهرستان «اسفراین» خراسان شمالی، با مشکل گسترده بی آبی مواجه هستند.

# قدرت هسته‌ای چیست ؟ چرا ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد ؟

کلاهک بیشتر باشد تخریب و کشتار بیشتری به وجود می‌آورد و ضربه‌ی بزرگتری به طرف مقابل وارد می‌کند، قدرت انفجاری کلاهک‌های هسته‌ای متفاوت است، کلاهک‌هایی که در جنگ جهانی دوم استفاده شدند کمتر از ۲۰ هزار تن تی ان تی، قدرت انفجاری داشتند و هم اکنون کلاهک‌هایی با قدرت انفجاری مشابه آنها در رده کلاهک‌های ضعیف و کوچک قرار می‌گیرند، قویترین بمب هسته‌ای آزمایش شده‌ی جهان بمب تراز بود که توسط شوروی در سال ۱۹۶۱ در یک جزیره‌ی دور افتاده آزمایش شد و قدرت انفجاری آن معادل حدودا ۵۰ میلیون تن تی ان تی بود! حدودا ۱۵۰۰ برابر قوی تر از مجموع دو بمب اتمی که هیروشیما و ناکازاکی را تخریب کرد، قدرت این بمب به حدی بود که تا صدها کیلومتر همه چیز را ویران می‌کرد! هم اکنون بیشتر کلاهک‌های هسته‌ای آمریکا و روسیه ۱۰ تا ۵۰ برابر قوی تر از

**کدام کشورها هستند و قدرت هسته‌ای چه تاثیری بر قدرت نظامی و موقعیت سیاسی آن کشورها دارد؟**  
قدرت‌های هسته‌ای ۹ کشور هستند که به ترتیب آمریکا و روسیه و با فاصله‌ی بسیار زیاد پس از آن دو انگلستان و فرانسه و چین (پنج عضو دائم شورای امنیت) و پس از آن هند و پاکستان و اسرائیل و کره‌ی شمالی هستند. هم اکنون ۹۰ درصد از کلاهک‌های هسته‌ای جهان در اختیار آمریکا و روسیه است که این قدرت با در اختیار داشتن وسایل حمل‌کننده‌ی پیشرفته هرکدام به تنهایی چندین برابر مجموع هفت کشور دیگر قدرتمندتر هستند، به طور دقیق نمی‌توان میزان قدرت این کشورها را محاسبه کرد چون در کنار کیفیت و کمیت وسایل حمل‌کننده‌ی کلاهک‌ها، فاکتورهای دیگری از جمله قدرت اطلاعاتی کشورها مهم هستند اما تعداد و قدرت کلاهک‌ها تا حدودی مشخص

اما برای حفظ جایگاه کنونی باید بودجه‌ی نظامی را بسیار افزایش بدهد، روسیه هم در جهانی بدون سلاح هسته‌ای بازهم قدرت دوم نظامی جهان خواهد بود اما نسبت به مجموع قدرت کشورهای اتحادیه‌ی اروپا در جایگاه پائین‌تری قرار می‌گیرد، هم اکنون روسیه با پشتوانه‌ی قدرت هسته‌ای به تنهایی از مجموع کل کشورهای اروپائی قدرتمندتر است، کشورهای انگلستان و فرانسه هم بدون قدرت هسته‌ای قادر به حفظ موقعیت کنونی خود در جهان نخواهند بود و جایگاه خود در شورای امنیت را از دست خواهند داد، حفظ موقعیت و جایگاه سیاسی دلیل اصلی مخالفت قدرت‌های هسته‌ای (به خصوص پنج عضو دائم شورای امنیت) با دستیابی دیگر کشورها به این سلاح‌ها است.

**آیا دیگر کشورها از جمله ایران حق دارند سلاح هسته‌ای داشته باشند ؟**

را دارند و افزایش روز افزون قدرت هسته‌ای چین متناسب با رشد سریع اقتصادی آن کشور است ، هیچ تهدید هسته‌ای متوجه ایران نیست تا برای دفاع از خود احتیاجی به سلاح هسته‌ای داشته باشد و در ضمن میزان تولید ناخالص داخلی ایران و موقعیت اقتصادی و سیاسی ایران در سطح جهان در حدی نیست که برای حفظ موقعیت یا افزایش قدرت به سلاح هسته‌ای احتیاج داشته باشد، دستیابی ایران (حتی با حکومتی دموکرات و صلح جو) به سلاح هسته‌ای بیشتر مانع رشد و افزایش قدرت ایران در منطقه خواهد شد چون در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای دیگر کشورهای منطقه به ویژه عربستان و امارات و قطر و کویت هم به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای خواهند رفت و عملا این موضوع به ضرر ایران است نه نفع آن، در چند سال گذشته خبرهایی منتشر شد که



حاکمی از آن بود که عربستان حدود ۱۰ کلاهک هسته‌ای را از کشور پاکستان خریداری کرده و کلاهک‌ها در کشور پاکستان مستقر هستند تا در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای آنان را به عربستان منتقل کنند و یا در چارچوب یک پیمان نظامی واحدهای عربستان مستقر شوند. در چنین شرایطی داشتن سلاح هسته‌ای هیچ امتیازی برای ایران حتی با حکومتی مردمی و صلح‌جو نخواهد داشت، سلاح هسته‌ای جز افزایش احتمال جنگ و افزایش تحریم‌ها چه دستاوردی برای کشور کره‌ی شمالی داشته است؟ هیچ، تنها تضمینی برای بقای رژیم دیکتاتوری آن کشور است و هیچ نفع اقتصادی و امنیتی برای کشور کره‌ی شمالی نداشته است و هم اکنون پس از سال‌ها تحریم و فشار و تنش حاضر به نابودی همه‌ی تسلیحات هسته‌ای خود به شرط لغو تحریم‌های بین‌المللی است، کره‌ی جنوبی با تولید ناخالص داخلی ده‌ها

بله، همه‌ی کشورها حق دارند سلاح هسته‌ای داشته باشند اما در ساختار سیاسی جهان منافع سیاسی و اقتصادی در اولویت است و قدرت‌های دارنده‌ی سلاح‌های هسته‌ای برای حفظ جایگاه خود اجازه‌ی دستیابی دیگر کشورها به این تسلیحات را نمی‌دهند، البته اگر همه‌ی کشورهای جهان حق داشتن تسلیحات هسته‌ای را هم داشته باشند نباید رژیم‌هایی همچون رژیم ایران به این تسلیحات دست پیدا کنند، رژیم ایران آشکارا حرف از نابودی دیگر کشورها و ملت‌ها می‌زند، تهدید نابودی کامل اسرائیل و شعار مرگ بر آمریکا و ... بخشی از سخنان چهل سال گذشته‌ی رهبران و سیاستمداران و فرماندهان نظامی رژیم ایران بوده است!

**آیا ایران نیازی به سلاح هسته‌ای دارد ؟**

خیر ، حتی اگر ایران دارای یک حکومت کاملا مردمی و صلح‌جو هم باشد نیازی به سلاح هسته‌ای ندارد، اعضای دائم شورای امنیت برای حفظ موقعیت‌شان سلاح هسته‌ای

بمب هیروشیما هستند که البته کلاهک‌هایی با قدرت‌هایی بسیار زیاد هم در اختیار دارند ، بیشتر کلاهک‌های هسته‌ای فرانسه و انگلستان و چین هم قدرت متوسط دارند و بیشتر کلاهک‌های هند و پاکستان کلاهک‌هایی متوسط به پایین هستند و کلاهک‌های کره‌ی شمالی هم جزء کلاهک‌های ضعیف محسوب می‌شوند.

**۳) وسایل حمل‌کننده‌ی کلاهک هسته‌ای :** بمب افکن‌ها و موشک‌ها و زیردریایی‌ها، وسایل حمل‌کننده‌ی کلاهک‌های هسته‌ای هستند، کیفیت و کمیت این وسایل تاثیر مهمی در قدرت هسته‌ای یک کشور دارد، هرچه یک بمب افکن یا موشک یا زیردریایی پیشرفته تر و برد بیشتری داشته باشد امکان موفقیت حمله از فاصله دورتر را مهیا می‌کند، کمیت و کیفیت وسایل حمل‌کننده هم برای حمله‌ی اولیه‌ی هسته‌ای و هم برای پاسخ به حمله‌ی غافلگیرکننده‌ی طرف مقابل بسیار مهم است .

**قدرت‌های هسته‌ای جهان**



مختار نقشبندی

در روزهای گذشته در پی منتشر شدن خبر افزایش ذخایر اورانیوم غنی شده توسط رژیم ایران ترس از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای افزایش یافته و اگر این روند ادامه پیدا کند حتی امکان درگیری و حمله‌ی مستقیم آمریکا و کشورهای همپیمانانش به ایران برای جلوگیری از تولید سلاح هسته‌ای وجود دارد، در چندین سال قبل از برجام و پس از آن تا به امروز بحث تکنولوژی هسته‌ای و انرژی هسته‌ای و سلاح هسته‌ای بخشی از مباحث رسانه‌های رژیم و اپوزسیون بوده و بازتاب گسترده‌ای هم در دنیای مجازی داشته ، هدف رژیم جلب حمایت مردم از پروژه‌ی هسته‌ای است و عملا رسانه‌ها و عوامل رژیم مرزی بین استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و سلاح هسته‌ای قائل نیستند و تنها از حقوق ایران در دستیابی به دانش و انرژی هسته‌ای سخن می‌گویند و همین مسئله باعث سردرگمی بخشی از جامعه شده که البته اپوزسیون نقش بزرگی در رسوایی سیاست‌های هسته‌ای رژیم داشته است، در این مقاله سعی می‌کنیم با توجه به محدودیت یک مقاله قدرت هسته‌ای را تعریف کنیم و به چند سوال مهم از جمله اینکه چرا ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد جواب دهیم .

**قدرت هسته‌ای چیست :**

قدرت هسته‌ای بخشی از قدرت غیرمتعارف نظامی است که از انرژی شکافت یا همجوشی هسته‌ای برای نابودی طرف مقابل استفاده می‌شود، قدرت هسته‌ای به ۳ عامل بستگی دارد :

**۱) تعداد کلاهک‌های هسته‌ای:** هرچه تعداد کلاهک‌های هسته‌ای یک کشور بیشتر باشد قدرت هسته‌ای آن کشور به دو دلیل بیشتر است ، یکی امکان حمله به اماکن بیشتری وجود دارد و دوم اینکه احتمال نابودی سلاح‌های هسته‌ای در حمله‌ی اولیه و غافلگیرکننده توسط طرف مقابل کمتر می‌شود.

**۲) کیفیت کلاهک‌های هسته‌ای:** هر چه قدرت یک

برابر کره‌ی شمالی بدون داشتن سلاح هسته‌ای هم مردمش در رفاه و امنیت زندگی می‌کنند و هم از موقعیت مهم‌تری در سطح جهانی نسبت به کره‌ی شمالی بر خوردار است. بهترین گزینه برای کشورهایی همچون ایران همپیمانی با قدرت‌های جهانی مثل آمریکا است تا همچون ژاپن و کره‌ی جنوبی و آلمان زیر چتر حمایت آمریکا باشند و با رشد اقتصادی و افزایش توان علمی به مرور جایگاه بهتری در سطح جهانی پیدا کنند. واقعیت این است که جهانی که در آن زندگی می‌کنیم بسیار نا امن است و علیرغم آنکه آمریکا و روسیه در چارچوب سری، قراردادهای استارت هزاران کلاهک اتمی را نابود کرده‌اند اما بازهم ۹۰ درصد از کلاهک‌های هسته‌ای جهان را در اختیار دارند و در صورت بروز هر جنگ اتمی در جهان در پی حمله‌ی اولیه در کمتر از نیم ساعت ده‌ها میلیون نفر کشته خواهند شد و در حملات بعدی در کمتر از چند ساعت این آمار ده‌ها برابر خواهد شد و صدها میلیون تن دود ناشی از سوختن شهرها آنچنان جو کره زمین را پر خواهد کرد که عملا مانع رسیدن نور خورشید به زمین خواهد شد و برای چندین سال زمین وارد یک زمستان طولانی به اسم زمستان هسته‌ای خواهد شد و اکثر موجودات زنده از جمله اکثریت انسان‌ها در اثر سرما و گرسنگی خواهند مرد. رهبران قدرت‌های هسته‌ای به ویژه آمریکا و روسیه از خطرات یک جنگ هسته‌ای کاملا آگاه هستند و حساسیت و مخالفت بیش از حد آنان نسبت به پرونده هسته‌ای رژیم ایران به دلیل ایدئولوژی رژیم است، رژیم ایران در سخن و رفتار بسیار متفاوت با کشور پاکستان و حتی کره‌ی شمالی است و نباید چنین رژیم خطرناکی حتی به یک بمب اتمی دست پیدا کند. رژیم تروریستی ایران که عملا و آشکارا سخن از نابودی دیگر کشورها و ملت‌ها می‌زند نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند و امنیتی وجود ندارد که ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند و تلاش رژیم ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای تنها برای پشتیبانی و در صورت لزوم استفاده در راه سیاست صدور انقلاب است و بس، رژیم ایران نشان داده است جان و مال مردم کشورش هیچ ارزش و اولییتی برای آنان ندارد و هیچ ترسی از عواقب استفاده از سلاح هسته‌ای بر ضد اسرائیل و واکنش مرگبار زیر دریایی‌های اسرائیل ندارد، مردمان ایران باید بیشتر از مردم اسرائیل و کشورهای دیگر نگران دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای باشند چون قربانی اصلی مردمان ایران خواهد بود.

## اتحاد نامیمون استبداد در داخل و خارج از ایران

### امنیت اقتصادی یا سرکوب اعتراضات



خالد درویژه

کمتر روزی را می‌توان یافت که در اقصی نقاط ایران شاهد اعتراضات اقشار مختلف جامعه از مالباختگان موسسه‌های مالی گرفته تا تحصن و اعتصابات گارگری و ... نباشیم، اعتراضاتی که در واکنش به وضعیت فلاکت‌بار معیشتی، افزایش بی‌رویه‌ی سطح عمومی قیمت‌ها، اختلاس‌های نجومی، رانت‌های گسترده و ده‌ها مشکل دیگر اقتصادی شکل گرفته و روز به روز دامنه‌ی آن گسترده‌تر می‌شود.

در چنین اوضاع و احوالی راهکارهای حکومت کمافی‌السابق به جای پرداختن به اصل قضیه و برخورد با ایجاد چنین نابسامانی‌هایی، ایجاد شعب و کارویژه‌های عموماً صوری، بدون ذکر شرح وظایف و عمدتاً در تناقض با قوانین مبهم موجود و با ویژگی عدم رعایت اصل تفکیک قوا، سعی در برخورد با معلول داشته‌اند.

شیوه‌ی نگاه و برخوردی که سرپوش گذاشتن، انکار واقعیت و عدم وجود حداقل اراده برای حل مشکلات از ویژگی‌های بارز آن به شمار می‌آیند.

در این راستا و همزمان با برگزاری دادگاه فرمایشی ۹ متهم به اخلاق اقتصادی، جاننشین فرمانده‌ی نیروی انتظامی ایران از تشکیل «پلیس امنیت اقتصادی» با مأموریت «امنیت فضای کسب و کار» خبر داد.

به گزارش رسانه‌های رژیم، ایوب سلیمانی فرمانده‌ی نیروی انتظامی ایران یکشنبه نهم تیر ماه بدون بیان جزئیات گفت که پلیس امنیت اقتصادی در استان‌هایی که به گفته‌ی او نقش مهمی در چرخه‌ی اقتصادی کشور دارند، تشکیل شده است. او همچنین در بخش دیگری از اظهاراتش یکی از کارویژه‌های پلیس را مقابله با آنچه که «ایجاد مشکل در چرخه‌ی تولید» خواند، عنوان کرد و گفت که امنیت کسب و کار افرادی که در عرصه‌های اقتصادی فعالیت می‌کنند در دستور کار پلیس است. آیا چنین اظهارات و راهکارهایی می‌تواند بدون پرداختن به علل ریشه‌ای خلق مشکلات در چرخه‌ی تولید و نبود امنیت کسب و کار حلال مشکلات فراوان امروز اقتصاد ولایت مدار رژیم باشد؟

نمی‌توان چنین اظهاراتی را که در راستا و تکمیل هشدارهای رهبری در خطاب قراردادن کارگران که هوشیار باشید تا مورد سوءاستفاده قرار نگیرید، تهدید محض کارگران به جای پاسخ به خواسته‌های برحقشان، ندانست؟

امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که مبانی ایدئولوژیک رژیم که بر همه‌ی ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه سایه افکنده و قانون اساسی و اقتصاد را در گروگان خود گرفته، عامل اساسی و مسبب واقعی همه‌ی بحران‌ها و علی‌الخصوص بحران اقتصادی می‌باشد.

مبانی و قوانینی که اقتصاد را نه علم بلکه وسیله می‌داند و در نگاهی دیگر آن را مال خر می‌پندارد، قوانینی که دست نهادها و اشخاص و گروه‌های وابسته به بیت رهبری را در دست اندازی به اقتصاد و بازار باز می‌گذارد، قوانینی که سرمایه‌گذاری‌های خارجی را که موتور حرکت اقتصاد به سوی شکوفایی و توسعه می‌باشد، ممنوع اعلام می‌کند و در نهایت قوانینی که مبانی ایدئولوژیک و تئوری‌های ناکجا آبادی و قرون وسطایی رژیم را همچون وزنه‌ی سنگین به پای اقتصاد می‌اندازد و آن را از پاشنه واقعی خود خارج می‌کند، عوامل اساسی بحران‌های، منجمله بحران و انحطاط اقتصادی موجود می‌باشد.

امنیت فضای کسب و کار زمانی فراهم می‌گردد که افراد آزادانه بتوانند در تکامل آزادانه‌ی شخصیت خود نقش آفرینی کنند و از طرف دیگر مشکلات در عرصه‌ی تولید زمانی برطرف می‌شود که فضای آزادانه‌ی رقابت برابر به دور از انحصار مطلق بازار از طرف اختاپوس سپاه پاسداران و نهادها و گروه‌های ولایت‌مدار به وجود بیایند، که در واقع رسیدن به هر دو مفهوم فوق‌الذکر تنها از عهده‌ی یک نظام دمکراتیک تکنوکرات مبتنی بر اراده‌ی عمومی همه ملیت‌های ایران امکانپذیر است، به عبارت دیگر انتظار حل مشکلات موجود با وجود رژیم مستبد و قرون وسطایی جمهوری اسلامی، سربا بیست نیست و چاره‌ی اساسی را تنها در عبور از چنین نظامی می‌توان یافت.

آیا می‌توان برای زندگی بانوانی که صرفاً به خاطر پوشش؛ روزانه در ملاء عام کتک‌کاری می‌شوند، صلح و ثبات متصور شد؟ ده‌ها هزار مالباخته‌ای که تمام سرمایه‌ی زندگی‌شان به طور سیستماتیک با همکاری چندجانبه‌ی بانک مرکزی، سازمان خصوصی‌سازی و قوه‌ی قضاییه و ... از دست رفته، از هر نظر در وضعیت جنگی به سر می‌برند. این کاملاً طبیعی است که کسانی که حتی زبان مادریشان از سوی قانون‌گذاران تهدید تلقی شده، جنگ را بر انکار و تحقیر هویتی ترجیح دهند. ایران تمام چهار دهه‌ی گذشته را در وضعیت جنگی طی کرده و هیچ مقطعی را بدون بحران پشت سر نگذاشته است. رژیم‌های مانند جمهوری اسلامی قطعاً تا آخرین لحظه‌ی سقوط خود همچنان

نجات کوردها و شیعیان در عراق داشت. چگونه ممکن است مردم بلوچستان که سالهاست در فقر کامل به سر می‌برند از بندر چابهار محروم شوند و رژیم اسلامی ایران این بندر را برای جلب حمایت در رقابت‌های بین‌المللی به هند واگذار کند و این مردمان همان روایت را از جنگ داشته باشند که این جریانات مجازی ارائه می‌دهند؟! کشتار روزانه‌ی سوختبران و محرومیت صد هزار کودک از تحصیل در سال تحصیلی جاری در بلوچستان، چه تفاوتی با وضعیت جنگی دارد؟! مردم مناطق سیلزده که هنوز در چادر زندگی می‌کنند در جنگ هم نهایتاً در چنین وضعیتی خواهند بود. آنها حق دارند دخالت خارجی را بر ادامه‌ی وضعیت کنونی ترجیح دهند چرا که با در هم شکستن تمرکز قدرت تحمیلی جمهوری

این دست از افراد و جریانات فراموش کرده‌اند یا بهتر است بگوییم مایل‌اند فراموش کنند که دخالت‌های جمهوری اسلامی در عراق با توجیه کمک به شیعیان این کشور باعث آغاز جنگ هشت ساله‌ی شد که در پایان نه تنها تغییری در مناسبات داخلی قدرت در عراق ایجاد نکرد، بلکه موجبات سرکوب بیشتر را فراهم آورد. ثانیاً چگونه ممکن است ما بعنوان ابوزیسیون ایران، از پرداختن به هزینه‌های مالی و انسانی جنگ ایران - عراق برای مردم ایران خودداری کنیم و این واقعیت را در لوی رقابت ژئوپولیتیک منطقه‌ای توجیه کنیم اما با تمام توان بکوشیم تا آمریکا را مسئول بروز جنگ در عراق نشان دهیم و از هر تریبونی برای اشاره به پیامدهای ناگوار جنگ



کیوان درودی

همزمان با بالا گرفتن تنش‌های رژیم اسلامی مسلط بر جغرافیای ایران با جامعه‌ی جهانی و در صدر همه با ایالات متحده آمریکا،

### برای سیلزندگان و زلزله‌زدگان لرستان و کرمانشاه و ترکمن صحرا این امید وجود دارد که بدون جمهوری اسلامی دارو، شیرخشک و پوشک به نوزادان خواهد رسید و دست جمهوری اسلامی برای ارسال دارو و تجهیزات پزشکی به شاخ آفریقا و جنوب عراق قطع خواهد شد.

اسلامی، این امکان وجود دارد که بتوانند از کمک‌های بین‌المللی و سازمان‌های بشردوستانه امکانات حداقلی گذران زندگی را به دست بیاورند. برای سیلزندگان و زلزله‌زدگان لرستان و کرمانشاه و ترکمن صحرا این امید وجود دارد که بدون جمهوری اسلامی

آمریکا و ژاپن بپردازیم و به مدافع ژاپنی‌هایی تبدیل شویم که امروز با صراحت تمام آمریکا را نزدیکترین دوست و مطمئن‌ترین متحد خود در سطح جهان می‌دانند. گویا اینکه وظیفه‌ی تاریخی این جریانات این است که ایالات متحده را به چالش بکشند، حال اینکه

برخی از افراد و جریانات به ظاهر ابوزیسیون با خط مشی مشخصی حداکثر توان تبلیغاتی خود را به کار گرفته‌اند تا با تاکید بر جنبه‌های خاصی از منافع عمومی آمریکا در سیاست‌گذاری منطقه‌ای و جهانی آن کشور؛ رفتارهای چهار دهه‌ی زمامداری جمهوری اسلامی را توجیه کنند. این که ایالات متحده یک کشور با منافع ویژه‌ی مربوط به خود است و سیاست‌های اعمالی و اعلانی مورد نظر خود را در راستای کسب و حفظ این منافع پایدار پی‌ریزی می‌کند، یک واقعیت آشکار است. ماهیت این کشور با نقشی که در سطح جهانی داشته، به هم گره خورده و ایفای این نقش ویژه، گاه جنبه‌های مثبت داشته، همزمان انتقاداتی را نیز برانگیخته است.

ما نمی‌توانیم دخالت آمریکا در عراق را صرفاً از نظر نابودی زیرساخت‌هایی بازنمایی کنیم، که در حین جنگ با صدام حسین آسیب دیدند. اگر قرار است ما اقدامات این کشور را در مقابله با قدرت بعث نقد کنیم، اصولاً باید سیاست تبعیض‌آمیز علیه کوردها و حتی شیعیان را پیش از دخالت آمریکا در نظر داشته باشیم.



خود را مخالف و ابوزیسیون جمهوری اسلامی می‌نامند. این رویکردهای سویدار موجب شده است تا نقش جمهوری اسلامی به عنوان عامل اصلی چهار دهه سرکوب داخلی و ایجاد تنش‌های منطقه‌ای در سطح رسانه‌های این جریانات به حاشیه رانده شده و به فراموشی سپرده شود و از موضعگیری‌هایشان چنین

برمی‌آید که گویا جمهوری اسلامی نماینده‌ی منافع عمومی در ایران بوده و همه اخلاقاً موظف‌اند تا از این رژیم در تخاصمات خودساخته‌اش، دفاع کنند. برای بخش‌های از مردم ایران جنگ می‌تواند همان نقشی را داشته باشد که دخالت نظامی آمریکا برای

### ایران تمام چهار دهه‌ی گذشته را در وضعیت جنگی طی کرده و هیچ مقطعی را بدون بحران پشت سر نگذاشته است. رژیم‌های مانند جمهوری اسلامی قطعاً تا آخرین لحظه‌ی سقوط خود همچنان به سرکوب و خشونت متوسل خواهند شد و قدرت را تنها در شرایطی از دست خواهند داد که یک قدرت بزرگتر بر آن‌ها چیره شود

است. بر این اساس مسئولیت پنجه نرم می‌کنند، چرا باید با دخالت یک نیروی خارجی مخالف باشند؟! آیا ممکن است کارگرانی که یک سال از پرداخت آخرین دستمزدشان می‌گذرد و خانواده خود را در معرض فروپاشی می‌بینند؛ نگران بروز جنگ باشند؟! بهمن و نقص عضو دست و

بهرمی‌آید که گویا جمهوری اسلامی نماینده‌ی منافع عمومی در ایران بوده و همه اخلاقاً موظف‌اند تا از این رژیم در تخاصمات خودساخته‌اش، دفاع کنند. برای بخش‌های از مردم ایران جنگ می‌تواند همان نقشی را داشته باشد که دخالت نظامی آمریکا برای

بهرمی‌آید که گویا جمهوری اسلامی نماینده‌ی منافع عمومی در ایران بوده و همه اخلاقاً موظف‌اند تا از این رژیم در تخاصمات خودساخته‌اش، دفاع کنند. برای بخش‌های از مردم ایران جنگ می‌تواند همان نقشی را داشته باشد که دخالت نظامی آمریکا برای

بهرمی‌آید که گویا جمهوری اسلامی نماینده‌ی منافع عمومی در ایران بوده و همه اخلاقاً موظف‌اند تا از این رژیم در تخاصمات خودساخته‌اش، دفاع کنند. برای بخش‌های از مردم ایران جنگ می‌تواند همان نقشی را داشته باشد که دخالت نظامی آمریکا برای

## زن و تابوهای او در جوامع اسلامی

سر به اعتراض‌های خاموش و حتی روشنی می‌زنند که تبدیل می‌شوند به اسطوره‌هایی که برای آزادی زنان به تلاش‌های گسترده‌ای اقدام می‌کنند.

تبدیل می‌شوند به منتقدان جامعه. تبدیل می‌شوند به دختران خیابان انقلاب در ایران و تبدیل می‌شوند به دختران و زنانی که با کردار، رفتار و گفتارشان نشان می‌دهند که یک نفر، نمی‌تواند تصمیم‌گیرنده‌ی چند ده میلیون و بلکه چند صد میلیون زن و دختر باشد. اگر زنی برای خود پوشش چادر (که از آن با عنوان حجاب برتر نام برده می‌شود) را برگزیده، دلیل بر انتخاب تمام زنان آن جامعه نیست. البته که هر کشور و

جامعه‌ای بر اساس قوانین و اساسنامه‌ی مدون خود رفتار خواهد کرد اما این قوانین بر چه اساس، به دست چه افرادی و با خواست چه مراجعی تدوین شده است؟ منکر نمی‌شویم که پوشش مناسب یک زن به نوعی نشان‌دهنده‌ی شخصیت و به نوعی هم نگاهبان اوست. منکر نمی‌شویم که در جوامع پیشرفته‌ی اروپایی هم تعرض به زنان و دختران وجود دارد اما آیا پوشش اسلامی و حجاب، به تنهایی قادر به ممانعت از تعرض متجاوزان جامعه هست یا خیر؟ آیا تمام زنان و دخترانی که در معرض آسیب‌های جنسی و اجتماعی هستند از قشر زنانی هستند که به حجاب اعتقادی ندارند؟ آیا بهتر نیست بجای ایجاد مصونیت، به محدودیت‌های افراطی خاتمه داده شود؟

به شخصه بسیار مشاهده کرده‌ام که در مراکز و دانشگاه‌هایی که پوشش چادر در آن اجبار است، اغلب دختران و زنانی که موافق این پوشش نیستند، در دانشگاه محل پوشیدن و از سر به در آوردن چادرشان است و مسئولین نیز به این امر واقف هستند اما بهایی به آن نمی‌دهند.

برای آن‌ها تنها رعایت این قانون بسته و خشک موسسه است که در محوطه‌ی آن به طور سوری رعایت شود و بسیار هم مشاهده کرده‌ام زنان و دخترانی را که اجبار جامعه، خانواده و ترس از دست دادن شغلشان آن‌ها را وادار به پوشش چادر کرده است و در جای دیگری دور از چشم آن‌ها هیچگونه پایبندی به رعایت آن ندارند که این واقعا فاجعه است.

حال قضاوت با شما، آیا این اجبار به رعایت قوانینی که هیچ منطقی در آن نیست، شایسته‌ی یک جامعه‌ی متمدن است یا خیر؟ و دیگر اینکه تا کجا و تا به کی باید بر سر نادیده گرفتن خواست زنان و دختران جامعه که بیش از نیمی از جمعیت هر کشور را به خود اختصاص می‌دهند و حتی همسران، پدران و برادران آن‌ها نیز با این پوشش و حجاب مخالف هستند باید پافشاری کورکورانه کرد.

برهه از زمان، از برگزاری آن جشن مذکور (جشن تکلیف) احساس شگفتی و خرسندی خاصی دارند. طبیعتا او از حضور در برنامه‌ای که تاکنون با آن مواجه نشده احساس خوشحالی می‌کند و طی سفارشات معلم پرورشی و یا دینی خود، نماز و روزه‌اش را به جا می‌آورد.

حجابش را حتی در حضور پسران اقوامش که تا پیش از جشن تکلیف با آن‌ها بازی می‌کرد را رعایت می‌کند و تمام و کمال حواسش را به آموزه‌های مذهبی و دینی‌اش می‌سپارد تا اینکه زمانی از راه می‌رسد که متوجه می‌شود این پوشش و این نوع رفتار انتخاب او نبوده است.

لطفا منتقدان مذهبی این مقاله نگویند که بی‌گمان خانواده‌ها

امنیت خاصی هم وجود ندارد. این را به جرات می‌توان اثبات کرد؛ از همین فضای مجازی. وقتی عکس پروفایل یک زن، تصویر همسر، فرزند، گل یا حیوان است چند دلیل بیشتر ندارد؛ یا اینکه شخص به دلایل خاص خودش اصلا تمایلی به انتخاب عکسی از خودش را ندارد؛ یا از طرف خانواده منع شده و یا اینکه در جامعه‌ای که او زندگی می‌کند، امنیت اخلاقی و روانی وجود ندارد و به علت وفور افراد و افکار بیمارگونه که عمدتا از سوی جنس مخالف صادر می‌شود، ناگزیر به مخفی ماندن است.

در جامعه‌ای که زنان از بلند خندیدن، آواز خواندن، پوشیدن لباس‌های رنگ روشن، صاحب منصب بودن به عنوان رئیس جمهور، دارای

اجتماعی مدیریت شده از سوی والدین با جنس مخالف؛ (حالا دیگر تمام مردان و پسر بچه‌های اقوامش نیز برای او نامحرمند و تنها پدر، برادر، پدربزرگ‌ها، دایی‌ها و عموها محارم او هستند) تزریق گناه در صورتی که اگر حتی یک تار مویش از روسری یا مقععه‌اش رویت شود. مرتکب بی‌حیایی شدن اگر صدای خنده اش را یک مرد نامحرم بشنود.

مرتکب بزرگترین اشتباه ممکن شدن اگر جایی که مردان حضور دارند آواز بخواند. ترجیحا انتخاب لباس‌های بلند و گشاد با رنگ‌های مرده و تیره که جلب توجه نکند به او تحمیل می‌شود و ده‌ها باید و نباید دیگر که در مجموع سلب آزادی‌هایی است که حق

پسندیده‌ای است اما آنچه در اینجا قابل بررسی و تامل است چگونگی آشنایی و تفهیم آن در این سن و سال کم است. در واقع واژه‌ی تکلیف یعنی مکلف کردن، یعنی به رنج انداختن و با مشقت کاری را انجام دادن. بجا آوردن نماز به خودی خود امر ناپسندی نیست. خودداری از خوردن و آشامیدن که آداب ادان هم مرسوم است نیز، ناپسند نیست؛ آنچه این تحول در زندگی کودک نه ساله او را به ناکجا آباد می‌رساند افراط و خرافه‌هایی است که در ضمن می‌کنند و تا آن جا ادامه پیدا می‌کند که اگر یک بار، تنها یک بار نمازش فوت شود (یعنی آن را به موقع خود نخواند و به اصطلاح قضا شود) فرد دچار

### اینان یا ناگزیرند با این شرایط کژدار و مریض کنار بیایند و یا آن قدر به آزادی خودشان به عنوان یک زن بها می‌دهند که سر به اعتراض‌های خاموش و حتی روشنی می‌زنند که تبدیل می‌شوند به اسطوره‌هایی که برای آزادی زنان به تلاش‌های گسترده‌ای اقدام می‌کنند

با دبیران پرورشی، دبیر دینی و جامعه هم سو نبوده‌اند. موارد بیشماری مشاهده شده که در یک خانواده‌ی کاملا مذهبی نیز علیرغم وجود پدر و مادر و خواهر و برادری که تمام و کمال به فرایض دینی

حقوق نابرابر بودن به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بسیاری امور دیگر منع شده‌اند چیزی به جز سرخوردگی و خفقان حاکم نمی‌شود. آنچنان که متأسفانه گاه برای

قانونی، اخلاقی و مدنی اوست و تنها شرع این حقوق را از او می‌گیرد؛ شرعی که به طور حتم از پدربزرگ و پدرش به او به ارث می‌رسد و او نیز محکوم به پیروی از این شرع است

عذاب وجدان و حتی احساس گناه می‌شود؛ چرا که به او آموخته‌اند که نماز از فرایض دینی است و ترک آن گناه بزرگی محسوب می‌شود (گناه کبیره). در کنار آن دختر ۹



می‌پردازند، یک دختر و یا حتی پسرشان ایدا تمایلی به باید نیاپدهایی که به او آموخته‌اند و یا تزریق کرده‌اند را ندارد.

تکلیف او چیست؟ تکلیف دختری که ایدا اعتقادی به حجاب ندارد چیست؟ این دختر با تمام هیجان کودکی‌اش هم روزی از اینکه برایش

زنانی هم که اعتقادی به این شیوه از سیستم حکومت ندارند نیز درونی شده است که زن با مرد تفاوت بسیاری دارد. البته زنان و مردان تفاوت‌هایی در فیزیک و قدرت فیزیکی دارند اما هیچ تفاوت منطقی و علمی بین زن و مرد، نباید مانعی برای رشد واقعی زنان در جامعه گردد. شکی نیست که

بی اینکه خود در انتخابش نقش داشته باشد و جالب است بدانید، در کشور تاجیکستان هیچ فردی تا سن هجده سالگی دارای دین مشخصی نخواهد بود و در سن هجده سالگی هر فردی با آزادی انتخابی که از آن برخوردار است، آیین و دین خود را انتخاب می‌کند. این است وضعیت اسفبار زنان جوامع دیکتاتوری که

ساله می‌آموزد که باید زبانش را از دروغ گفتن، تهمت زدن و سایر اعمال و رفتار غیر اخلاقی نیز برحذر دارد که این آموزه‌ها بسیار هم به جا و شایسته هستند. اما بحث بر سر خواندن و نخواندن نماز، روزه دار بودن یا نبودن نیست؛ بحث بر سر این است که در ابتدای سن کودکی تا کجا باید پیش رفت آن هم در حالی که پسران

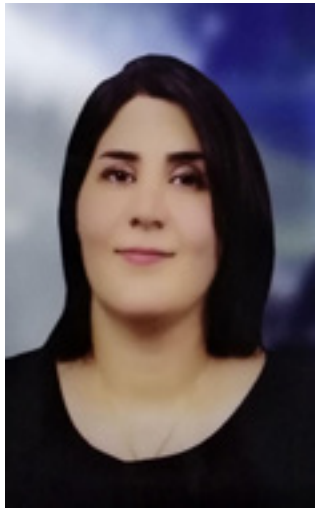
### منکر نمی‌شویم که در جوامع پیشرفته‌ی اروپایی هم تعرض به زنان و دختران وجود دارد اما آیا پوشش اسلامی و حجاب، به تنهایی قادر به ممانعت از تعرض متجاوزان جامعه هست یا خیر؟ آیا تمام زنان و دخترانی که در معرض آسیب‌های جنسی و اجتماعی هستند از قشر زنانی هستند که به حجاب اعتقادی ندارند؟ آیا بهتر نیست به جای ایجاد مصونیت، به محدودیت‌های افراطی خاتمه داده شود؟

زنان و دخترانی هم در اینگونه جوامع هستند که این پوشش و شرع انتخاب و افتخارشان است که اتفاقا بسیار نیز قابل احترام است چرا که با میل خود و با قاطعیت بنا به دلایل خودشان این رویه را پسندیده و از آن متابعت می‌کنند. نکته‌ی قابل ذکر این است که، تمام دختران ۹ ساله در آن

مذهب حاکم واقعی آن است. آن هم مذهبی که بی شک مورد تحریف قرار گرفته و باب میل حاکمانش است. به همین سادگی رنگ‌های تیره جایگزین رنگ‌های متنوع می‌شوند. شادی‌های زنانه در وجودشان دفن می‌شود به این امید که در امنیت اجتماعی به سر ببرند و

همین اعمال را در سن پانزده سالگی انجام می‌دهند. بنابراین آیا این خواست از پیش تعیین شده که به دختران نسخه می‌شود، دور از انصاف نیست؟ بدون در نظر گرفتن خواست او، موهایش را در زیر یک روسری بزرگ پنهان ساختن از همان اوان کودکی، منع کردن او از هر گونه تعامل

بپردازیم. در ایران برای دختر بچه‌های ۹ ساله جشنی به نام جشن تکلیف برگزار می‌کنند و او را در بجا آوردن فرایض دینی تشویق می‌کنند. شکی نیست که آشنایی فرزندان با معنویات امر



میترا تقی پور

نیمی از جمعیت این کروی خاکی را زنان تشکیل داده‌اند. زن، همان دختر کوچک یکی دو دهه‌ی قبل پدر و مادر است. از وقتی که به دنیا می‌آید با خودش نگرانی‌هایی به همراه می‌آورد. حقیقتا تربیت فرزند دختر همانقدر که شیرین و لذتبخش است، همانقدر هم حساسیت‌هایی به همراه دارد که البته بسیاری از این حساسیت‌ها نیز بجا هستند. جنس دختر لطیف است. اصلا وقتی نام دختر به زبان می‌آید، ناخودآگاه واژه‌هایی از جمله: شیرین، شیرین زبان، دوست داشتنی، دختر باها، محرم مامان و زیبایی به ذهن متبادر می‌شود (حتی اگر واقعا خوش چهره هم نباشد) و ده‌ها خصلت خوب دیگر.

دختر با به دنیا آمدنش، یک تعهد و پیوند ریشه‌دار به ارمان می‌آورد و همین باعث می‌شود که تمامی اعضای خانواده برای محافظت از او از جان و دل انرژی صرف کنند؛ از پدر و مادر گرفته تا برادر و خواهر بزرگترش) در صورت دارا بودن) که اتفاقا این محافظت بادیگارد گونه برایشان لذتبخش هم هست مشروط بر اینکه دختر کوچولویشان حرف شنو باشد، راهش را آهسته بگیرد و برود و بازگردد. این محافظت‌ها اگر منطقی باشند، از آن دختر کوچک یک زن قوی با یک احساس قوی حاکی از امنیت و اعتماد بنفس می‌پروراند و اگر افراطی و متعصبانه باشد، کوهی از سرخوردگی و حقارت و وابستگی کاذب در وجودش شکل می‌گیرد.

حال اگر علاوه بر جامعه‌ی کوچک و البته حیاتی خانواده، جامعه‌ی مدنی هم مملو از قوانین ضد زن، تعصبات بوج، آموزه‌های بی‌اساس، خرافات و اعتقادات پوسیده و نخ نما باشد، دیگر فاتحه‌اش خوانده است. اجازه بدهید واضح و روشن به برخی مصائب جوامع جهان سوم در ارتباط با زنان که اتفاقا اسلامی هم هستند بپردازیم.

# رژیم ایران غده‌ی سرطانی در منطقه



کاروان میرای

اگر با کمی تأمل به تاریخ بنگریم و نگاهی به چهل سال اخیر بیندازیم، بعد از اینکه خلق‌ها و توده‌های تحت ستم و زیر سلطه‌ی رژیم پادشاهی

با گذشت قریب به چهل سال از سرکوب آزادی‌های فردی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای، تبعیض‌های دینی، نژادی و جنسی، غارت ثروت و منابع زیرزمینی و اموال خلق‌های کشور، شکنجه، اعدام و کشتارهای دسته‌جمعی علیه مردمان آزادیخواه و دیگر ستم‌های تحمیلی بر ملیت‌های ایران کثیرالمله، تحت شعار نامشروع (کشور ایران با یک ملت و یک زبان) در داخل کشور، رژیم به غولی وحشتناک تبدیل شده است و با ایجاد تیم‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی برون مرزی در کشورهای خاورمیانه و حتی در برخی از کشورهای فرامنطقه‌ای، آشوبگرانه و تروریستی خود را به اوج رسانده و کشور ایران را به کشوری ناامن و خطرناک و منطقه را به مکان بزرگ تروریستی مبدل ساخته است.

بازوی قدرت همه‌جانبه‌ی این نظام به معنای واقعی به شمار می‌رود و هیچ نهاد و مرکز دیگر رژیم نیز تصمیم‌گیرنده نخواهند بود، می‌بینیم که در کشورهایی همچون سوریه، لبنان، عراق، یمن، فلسطین و ... غیر از حضور شاخه‌ی قدس سپاه تروریستی پاسداران، گروه‌های دیگری مانند فاطمیون، زینبیون، حزب‌الله، کتایب اهل‌الحق، حماس، نجبا و سایر سازمان‌های دیگر تروریستی تحت فرمان سپاه قدس و مرید مذهبی ولایت فقیه‌ی را تشکیل داده است، که در راس اهداف رژیم اسلامی ایران، بر منافع کشورهای مخالف این رژیم که سران رژیم آنان را دشمنان خود می‌نامند و بویژه ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و اسرائیل را مورد بورش قرار داده اند.

برنامه‌ی استراتژی خود برای ترور د. قاسملو برنامه‌ریزی کرد تا نقشه‌های شوم خود را علیه ملیت‌های کشور و در بیرون مرزهای کشور نیز اجرا کند. نهایت تضعیف رژیم ایران از منطقه با اهدافی که در بالا به آن اشاره شد و از ریشه‌کن شدن این غده‌ی سرطانی که جامعه‌ی بین‌المللی و بخصوص ایالات متحده آمریکا به تازگی و در سال‌های اخیر به آن بی برده‌اند، تنها راه حل آسایش منطقه و آرامش جهانی از این غده‌ی سرطانی، متلاشی و خشک کردن ریشه‌ی سازمان‌های تروریستی تحت فرمان رژیم ایران در منطقه و کوتاه کردن دست برون مرزی این رژیم که سپاه تروریستی پاسداران و بویژه شاخه قدس این سازمان می‌باشد، است. در غیر این صورت بعد از سقوط و برکناری این رژیم



اهداف و استراتژی رژیم به طرح و پروژه‌ی صدور انقلاب اسلامی به بیرون مرزهای کشور و ساخت هلال شیعی و برگشت به حکومت‌های سلطنتی و باستانی با بنا ساختن امپراتوری رژیم ایران زیر نقاب مذهبی، در منطقه است که این رژیم بیش از چهار دهه تمام ثروت و دارایی ملیت‌های کشور را به خاطر آن به فنا داده، اهداف دیگری که در سال‌های اخیر رژیم ایران در این پروژه به کار گرفته است و یکی از استراتژی‌های مهم کنونی این رژیم محسوب می‌شود که هزینه‌های مادی، سربازی و سیاسی زیادی را برای آن پرداخته است، همچنان که سران خود رژیم به آن اعتراف کرده‌اند، تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و همچنین نفوذ سکوهای موشکی خود در کشورهای خاورمیانه و تبدیل کردن منطقه به بشکه‌ی باروتی است که در احتمال کوچکترین خطری بر اهداف اصلی رژیم (پروژه هلال شیعی)، منطقه را به آتش بکشاند.

جدید خود (تبدیل کردن منطقه به بشکه‌ی باروت) به غده‌ی سرطانی منطقه و حتی فرامنطقه تبدیل شده است که علاوه بر عدم ثبات منطقه، حتی جهان را با اقدامات و تهدیدهای تروریستی از طریق سازمان‌های نامبرده‌ی تروریستی خود به خطر انداخته و کل قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشته است. لازم به ذکر است که قریب به چهل سال بعد از مبارزات آزادیخواهانه کوردستان و به ویژه سخنرانی رهبر فرزانه ملت کورد «د. عبدالرحمان قاسملو» که اشاره به غارت بردن جنبش ملت‌های ایران از سوی خمینی و اطرافیانش را پیشبینی کرده بود و در کوردستان نه تنها علیه بنا ساختن رژیم دیکتاتوری خمینی دست به مبارزه‌های سیاسی و مسلحانه زده شد، بلکه رهبران کورد و به ویژه د. قاسملو در مدت مبارزات آزادیخواهانه‌ی ملت کورد در کوردستان ایران علیه رژیم ایران، واقعیت پیشبینی شده‌ی کنونی را به مجامع بین‌المللی و سازمان‌های جهانی ابلاغ کرده بودند. رژیم بر تاثیرات د. قاسملو پی برد و در راس

نیاز گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی وابسته به رژیم در منطقه، دوباره سر درخواهند آورد و داعش‌های دیگری در منطقه سبز خواهند شد که بر منطقه و کل جهان خطرناکتر از داعش و رژیم کنونی ایران خواهند بود و همچنان منطقه آرامش نخواهد داشت. چنانکه می‌دانیم آمریکا برای حفظ و دفاع از متحدانش در خاورمیانه، در کل منطقه جایگاه ویژه‌ای دارد و در کشورهای اطراف ایران مشغول تقویت کردن جایگاه و پایگاه‌های نظامی خود می‌باشد که در این اواخر شمار دیگری از سیستم‌های موشکی کوتاه برد، ضد موشکی، جنگنده‌های پیشرفته و کشتی و ناوهای جنگی و نظامی را به منطقه ارسال و اعزام کرده است. پیشبینی می‌شود که در آینده‌ی نه چندان دوری برای اهداف خود تجهیزات و جنگ‌افزارهای نظامی بیشتری به این مناطق و بخصوص کشور عراق و دریای عمان و آب‌های خلیج اعزام کند و پاکسازی گروه‌های وابسته به رژیم ایران را از عراق و سوریه آغاز کند.

## تحریم‌های تازه می‌تواند ضربه سنگینی به امپراتوری تجاری علی خامنه‌ای رهبر رژیم ایران بزند

### بنیاد دفاع از دموکراسی

#### ترجمه: آرمان حسینی

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، هفته‌ی گذشته با دستورالعمل جدیدی تحریم‌های تازه‌ای علیه علی خامنه‌ای رهبر رژیم ایران، بیت رهبری وابسته به خامنه‌ای و چندین نهاد و اشخاص دیگر صادر کرد.

هدف دونالد ترامپ از دستورالعمل تازه این است که، تحریم‌های تازه را بر عناصر کلیدی امپراتوری تجاری خامنه‌ای که تاکنون از تحریم‌ها در امان بودند، اعمال کند.

خامنه‌ای سرمایه‌ی ۲۰۰ میلیارد دلاری خود را از طریق سه نهاد کنترل می‌کند: ۱- بنیاد اجرای احکام امام خمینی، ۲- بنیاد مستضعفان و ۳- بنیاد اقتصادی رضوی، که بازوی کسب و کار آستان قدس رضوی است.

این سازمان‌ها که معاف از پرداخت هرگونه مالیات به حکومت هستند، ثروت خود را از طریق فساد همچون مصادره‌ی اموال مخالفان رژیم غصب کرده‌اند. درآمد آن‌ها برای سرکوب در داخل و صدور تروریسم به خارج از کشور هزینه می‌شود.

ایالات متحده هیچ وقت بنیاد مستضعفین و رضوی را به لیست سازمان‌های تحریم شده‌ی خود اضافه نکرده بود. اداره باراک اوباما در سال ۲۰۱۳ بنیاد اجرای احکام خمینی را تحریم کرده بود اما بعد از اجرای توافقنامه برجام در سال ۲۰۱۵ این تحریم‌ها برداشته شدند، که قبلاً به عنوان برنامه‌ی جامع اقدام مالی شناخته می‌شد. بنیاد اجرای احکام خمینی از لیست خارج شد، با وجود اینکه این سازمان ارتباطی با برنامه‌ی هسته‌ای ایران نداشت. اداره‌ی ترامپ در سال ۲۰۱۸ از برنامه‌ی جامع اقدام مالی خارج و تحریم‌های تازه‌ای را علیه این نهاد اعمال کرد.

این تحریم‌ها قابلیت این را دارند که تاثیر قابل توجهی به امپراتوری تجاری خامنه‌ای بزنند. بنابراین، به سیستم مالی بین‌المللی برای انتقال پول به داخل و خارج از ایران و همچنین داشتن تجارت دو جانبه برای تبادل کالاها متکی است.

به دنبال اجرای طرح جامع اقدام مالی، بنیاد مستضعفین و «شرکت دوو»ی کره‌ی جنوبی قراردادی بالغ بر یک میلیارد و پانصد میلیون دلار برای ساخت یک بزرگ راه اصلی با کمک شرکتی چینی امضا کردند. شرکت حفاری شمال وابسته به بنیاد مستضعفین همچنین یادداشت تفاهمی را با شرکت «آلتیا ریسورس» فرانسوی امضا کرد.

بنیاد اجرای احکام خمینی «شرکت بهمن جنو» (Bahman Geno Co) را در کنترل خود دارد، معامله‌ی ۱۰ میلیارد دلاری برای ساخت پالایشگاه با «شرکت دوو» و «هیوندای» امضا کرده بود، اما از زمان تحریم این نهاد هیچ نشانی از این معامله یا ساخت پالایشگاه وجود ندارد.

شرکت‌های وابسته به رهبر رژیم همچنین کالاهای صادراتی را در هنگام وارد کردن مواد لازم برای تولید کالاها برای بازار ایران تحویل می‌دهد.

از مارس ۲۰۱۷ تا مارس ۲۰۱۸، شرکت‌های تحت کنترل بنیاد مستضعفین نزدیک به ۷۰۰ میلیون دلار کالا را به ۵۶ کشور صادر کردند. این بنیاد بر این باور است که این صادرات ۱۰ درصد از درآمد حاصل از فروش کالاهای تولیدی را به خود اختصاص داده است، که نشان می‌دهد کل فروش نزدیک به ۷ میلیارد یورو است.

بنیاد اجرای احکام خمینی و رضوی آمار مشابهی را منتشر نکرده‌اند، اما گزارش‌های رضوی نشان می‌دهد که عملیات صادرات قوی و در حال رشد است. از سوی دیگر بنیاد اجرای احکام خمینی شرکت‌هایی را در بخش‌های صادراتی مانند محصولات نفتی و پتروشیمی در اختیار دارد.

امپراتوری تجاری خامنه‌ای همچنین در خارج از ایران حضور دارد. مستضعفین متعلق به باشگاه ایران است، یک مجتمع لوکس در دبی. در سال ۲۰۱۳، وزارت خزانه‌داری یک سلول از شرکت‌های وابسته به بنیاد اجرای احکام خمینی در امارات متحده‌ی عربی، آفریقای جنوبی و آلمان را برای نقش خود در شبکه گسترش تیراندازی تهران در کنترل دارد.

گام منطقی بعدی در جهت حدکثر فشار بر تهران، تعیین بنیاد مستضعفین و بنیاد رضوی، همراه با شرکت‌های تابعه و وابسته‌ی آن است. این اهداف دارای ارزش تخمینی حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار هستند.

اداره‌ی ترامپ همچنین خواستار تحریم در مورد مدیران و اعضای هیئت مدیره است که امپراتوری رهبر رژیم را اداره می‌کنند. تحریم آن‌ها باعث جلوگیری از راه‌اندازی واحدهای مجاز دیگر تحت نام‌های جدید را خواهد گرفت.

## برگزاری چهل و یکمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو



مسئله کولبران و بازداشت فلهای شهروندان کورد در کردستان در چهل و یکمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو مطرح شد.

براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کوردیا، روز چهارشنبه پنجم تیرماه، چهل و یکمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو برگزار و جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - ژنو و سازمان «همبستگی جهانی علیه مجازات اعدام» بیانیه مشترکی را در رابطه با مسئله کولبران و بازداشت فلهای شهروندان کورد منتشر کردند.

این بیانیه از سوی تیمور الیاسی، نماینده جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - ژنو در چهل و یکمین نشست شورای حقوق بشر قرائت و این دو سازمان مدافع حقوق بشر از گزارش نماینده سازمان ملل درباره مسئله کولبران و بازداشت شهروندان کورد استقبال کردند.

این دو سازمان با ابراز نگرانی از کشتار کولبران و بازداشت شهروندان کورد اعلام کردند که حکومت ایران به شیوه غیرقانونی اقدام به کشتار کولبران و بازداشت شهروندان کورد می‌کند و اکثر شهروندان کورد را به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» بازداشت کرده است.

در این نشست، جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - ژنو و سازمان «همبستگی جهانی علیه مجازات اعدام» خواستار تحقیقات ویژه در رابطه با مسئله کشتار کولبران و بازداشت شهروندان کورد شدند و گزارشی در این رابطه با همکاری گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران تهیه و تنظیم شود. این دو سازمان مدافع حقوق بشر در پایان بیانیه خود خواستار آزادی زندانیان سیاسی ملیت‌های ایران شدند.

## دفتر انجمن مردمی پیشگیری از اعتیاد «ژئانه‌وه» مریوان توسط افراد ناشناس تخریب شد

موجود بر ادامه‌ی فعالیت‌ها خود تأکید نموده است. روز جمعه بیستم مرداد ۹۶ نیز، دفتر مرکزی «کانون فرهنگی-هنری وه‌ژین» واقع در محوطه عمومی پارک ملت، توسط فرد یا افرادی ناشناس دچار آتش‌سوزی شد و خساراتی به اموال اداری و ساختمان آن وارد گردید. اعضای هیئت مدیره «کانون وه‌ژین» پس از بررسی‌های دقیق و نظر به شواهد به این نتیجه رسیدند که این آتش‌سوزی، «عمدی» بوده است.



پیشگیری از اعتیاد تلاش کرده و اقدامات مناسبی را در این راستا انجام داده است و به همین دلیل مورد حمله افراد

دفتر انجمن مردمی پیشگیری از اعتیاد «ژئانه‌وه» مریوان توسط افراد ناشناس تخریب شد. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کوردیا، روز سه‌شنبه یازدهم تیرماه، افرادی ناشناس به دفتر انجمن مردمی پیشگیری از اعتیاد «ژئانه‌وه» مریوان حمله و کلیه وسایل این انجمن را تخریب کردند. انجمن مردمی پیشگیری از اعتیاد «ژئانه‌وه» مریوان با انتشار بیانیه‌ای در این باره اعلام کرده است: انجمن ژئانه‌وه ۱۲ سال است بی‌وقفه برای آگاهی مردم

## فقر مالی، یک کولبر را از معالجه پزشکی محروم کرد



حمایت از این کولبر کورد برای تأمین هزینه‌های پزشکی انجام نداده‌اند.

به ناچار خود را ترخیص کرده است. تاکنون نهادهای مرتبط حکومتی اقدامی را در

بود و به مدت چهار ساعت زیر برف مانده بود. در این حادثه، دست‌های این کولبر به شدت دچار سرمازدگی شده‌اند و وی به دلیل فقر مالی توانایی پرداخت هزینه‌های معالجه پزشکی دست‌هایش را ندارد. به گفته این کولبر، وی پنج روز در بیمارستان کرمانشاه بستری بوده و پس از پنج روز معالجه پزشکی به دلیل فقر مالی با رضایت

فقر مالی، یک کولبر کورد اهل شهر نودشه را از معالجه پزشکی محروم کرده است. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کوردیا، «احمد رازی» ۴۷ ساله اهل شهر نودشه به دلیل فقر مالی توانایی پرداخت هزینه‌های پزشکی را ندارد. این کولبر کورد اسفندماه سال ۹۷ در حین کولبری در گردنه تهنه هورامان دچار سرمازدگی شده

## اعتصاب کارگران سد کانی سب پیرانشهر

وی گفت: پیمانکاران سد کانی سب پیرانشهر کارگران کوردیا را تهدید به اخراج از کار کرده‌اند. کارگران اعتصابی سد کانی سب پیرانشهر اعلام کرده‌اند

یکی از کارگران سد کانی سب پیرانشهر در این باره به خبرنگار کوردیا اعلام کرد: علیرغم گذشت چهار روز از اعتصاب کارگران تا کنون توجهی به خواسته‌های آنان نشده است.

کارگران سد کانی سب پیرانشهر طی سه ماه اخیر حقوقی را دریافت نکرده‌اند و در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان دست به اعتصاب زده‌اند.

کارگران سد کانی سب پیرانشهر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدشان دست به اعتصاب زدند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کوردیا،

## انفجار مواد منفجره در کارگاه تولید ماسه موجب مرگ یک کارگر کرد شد

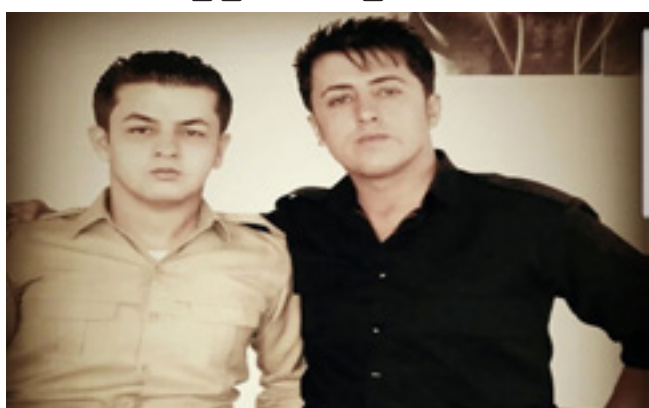
در این حادثه، صلاح عبدالله‌پور به دلیل سوختگی شدید ناشی از انفجار در دم جان باخته و جسد وی به سردخانه بیمارستان بوکان منتقل شده است.

باخت. این حادثه به دلیل جوشکاری در انبار این کارگاه که محل نگهداری مواد منفجره TNT و سیلندرهای گاز مایع بوده، روی داده است.

روز شنبه یکم تیرماه، یک کارگر کورد به نام «صلاح عبدالله‌پور» ۳۰ ساله فرزند مصطفی اهل بوکان به دلیل انفجار در کارگاه تولید ماسه در مسیر داشیند سیمینه جان

یک کارگر کورد اهل شهرستان بوکان بر اثر انفجار TNT در کارگاه تولید ماسه جان خود را از دست داد. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کوردیا،

## سه شهروند سندجی جهت اجرای حکم احضار شدند



دو شهروند کورد در شهرهای بوکان و سلماس از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت شدند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کوردیا، روز چهارشنبه بیست و نهم خردادماه، یک جوان کورد به نام «علی جوزاک» اهل بوکان به اداره اطلاعات این شهرستان احضار و سپس بازداشت شده است. به گفته یک منبع آگاه، نیروهای اطلاعاتی این شهروند کورد را به هواداری و تبلیغ برای یکی از احزاب کورد اپوزیسیون حکومت ایران در فضای مجازی متهم کرده‌اند. این منبع آگاه افزود: علی جوزاک پس از بازداشت به مکان نامعلومی منتقل و پیگیری‌های خانواده وی جهت اطلاع از سرنوشت و محل نگهداری‌اش بی‌نتیجه بوده است. ارسال جوزاک برادر علی جوزاک پیشمرگه حزب کومله کردستان ایران روز دوشنبه سوم شهریورماه ۹۷ به همراه یک پیشمرگه دیگر این حزب به نام پرویز عبدی در شهرستان مریوان با نیروهای سپاه پاسداران درگیری و جان خود را از دست دادند. از دیگر سو نیز، روز چهارشنبه بیست و نهم خردادماه، یک شهروند کورد به نام «سامی محمدنژاد» فرزند جمال اهل شهرستان سلماس در محل کارش در خیابان رضایی به اتهام «همکاری با یکی از احزاب کورد اپوزیسیون حکومت ایران» توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل گردیده است. بازداشت این شهروند کورد بدون ارائه برگه قضایی به همراه ضرب و شتم صورت گرفته است.

چهارم تیرماه سال ۹۷ به اداره اطلاعات سندج احضار و پس از دو ماه بازداشت و اتمام بازجویی با قرار وثیقه به شیوه موقت آزاد شده بودند. این سه شهروند سپس هر کدام به اتهام «همکاری با یکی از احزاب کورد اپوزیسیون حکومت ایران» از سوی دادگاه انقلاب سندج به یکسال حبس تعزیری محکوم و پس از اعتراض به حکم صادره، حکم هر کدام به پنج ماه حبس تعزیری کاهش یافته بود.



اجرای احکام دادگاه انقلاب سندج مراجعه و سپس به زندان مرکزی سندج منتقل شوند. این سه شهروند کورد

یک منبع آگاه ضمن تأیید این خبر به آژانس کوردیا اعلام کرد: این سه شهروند کورد طی روزهای آینده باید به بخش

سه شهروند کورد اهل سندج باید جهت اجرای حکم خود را به زندان مرکزی این شهر معرفی کنند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کوردیا، سه شهروند کورد به نام‌های «امیر رضایی» فرزند جمیل، «سیروان ارغوانی» فرزند خداکرم و «فرزاد صادقی» فرزند حبیب، اهل روستای «تنگیسر» باید جهت اجرای حکم خود را به زندان مرکزی سندج معرفی نمایند.

## انتقال تسلیحات جنگی از نقده به اشنویه

به داخل کشور وارد شوند با عکس‌العمل نیروهای قرارگاه حمزه مواجه خواهند شد. در همین رابطه نیز، روز پنج‌شنبه سیام خردادماه، سپاه پاسداران سلاح‌های سنگین از نوع کاتیوشا را در ارتفاعات مرزی پیرانشهر مستقر کرد.

گفت‌وگو با رسانه‌های وابسته به سپاه پاسداران ضمن تهدید احزاب کورد اپوزیسیون حکومت ایران اعلام کرده است: اگر چنانچه نیروهای ضدانقلاب از خطوط مرزی ما که خط قرمز قرارگاه حمزه و سپاه است، بخواهند جهت ایجاد ناامنی

آگاه، هنگام انتقال سلاح‌های سنگین به اشنویه پهپادهای سپاه پاسداران نیز بر فراز شهر اشنویه و مناطق مرزی آن در حال گشت‌زنی بودند. همچنین اسماعیل خلیل‌زاده، معاون عملیات قرارگاه حمزه روز دوشنبه سوم تیرماه در

سپاه پاسداران سلاح‌های سنگین را از شهر نقده به اشنویه منتقل کرد. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کوردیا، روز دوشنبه سوم تیرماه، سلاح‌های سنگین توسط سپاه پاسداران از شهر نقده به اشنویه منتقل شدند. به گفته یک منبع